یادداشت

در آستانه یک‌سالگی دولت

ادامه از صفحه اول

- امـا در نقد عملکرد دولت نیز باید به ناتوانـی برخی از وزیران و مدیران ارشـد در مدیریت حوزه خود به‌ویژه بحران آب و برق و... اشاره کرد که با وجود داشـتن اطلاعات و آمار کافی قادر به ارائه راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت و مهار بحران نیستند. همچنین توقف برنامه توسعه کشور که از دولت‌های نهم و دهم آغاز و کمابیش ادامه یافته نیز در یک سال گذشته از سوی دولت مورد توجه جدی قرار نگرفته اسـت. درحالی‌که تنها راه برون‌رفت کشور از بحران‌ها و چالش‌های اساسی و زیرساختی، توسعه متوازن در همه عرصه‌هاست. ضعف و نقد دیگری که متوجه دولت اسـت، نبود اطلاع‌رسانی بهنگام و شفاف‌سازی امور از طرف حوزه رسانه‌ای دولت است. در همین تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی انتظار می‌رفت که دولت با بهره‌گیری از تمام امکانات خود درباره مستندسازی آثار زیان‌بار و خسارت‌های جانی و مالی به مراکز غیرنظامی، از جمله شـهادت دانشمندان هسته‌ای، ورزشکاران، دانش‌آموزان، فرهنگیان، کودکان و زنان بی‌دفاع و اصحاب رسـانه و انعکاس گسترده آن به مراکز و مراجع بین‌المللی و سـازمان‌های حقوق‌بشری اقدام کند که متأسفانه شاهد قصور جدی در این زمینه هستیم که دولت نتوانسته است همگام با دیپلماسی، جنایت‌های رخ‌داده علیه کشورمان را به اطلاع مردم و افکار عمومی جهانیان برساند.

- همچنین ارسـال لایحه محدودیت فضای مجازی «گرچه اصالتا به قوه قضائیه مربوط اسـت» نیز از اقدامات قابل انتقاد به دولت است که بازپس‌گیری آن از مجلس می‌تواند در التیام دغدغه‌های مردم و استمرار همبستگی ملی مورد تأکید مقامات کشور و ملت تأثیر جدی داشته باشد. امید است که رئیس‌جمهور و دولت با بازخوانی وظایف و مسئولیت‌های خطیر خود براساس قانون اساسی و خواست مردم و مشخص‌کردن اولویت‌های کشور، متناسب با شرایط روز و در تعامل با دیگر قوا و نهادهای حاکمیتی در سیاست خارجی، همچنان تعامل سازنده و در عرصه داخلی هم‌گرایی و آشتی ملی و پایان‌بخشـی به حبس‌ها و حصر را پیگیری کند. دولت بـرای برون‌رفت از بحران‌ها به‌شدت نیازمند بهره‌گیری از مشاوران امین، دلسوز، مجرب و صاحب صلاحیت، با دانش و ایران‌دوست است که نباید در استفاده از آنها درنگ و تأمل کرد و سخن آخر اینکه ترمیم کابینه و به‌کارگماری مدیران لایق و باکفایت در برخی از وزارتخانه‌ها و مدیریت‌های کلان ناموفق، ضرورتی انکارناپذیر است.

مقدمه وحدت ملی؛ سکوت یا فرصت برابر

ادامه از صفحه اول

براساس‌این، با وجود اینکه برخی اقدامات هنوز بوی اشتباهات قبل از این رخداد را دارد، اما به نظر می‌رسـد تغییر، پذیرفته شده است. دراین‌میان تاکید بسیار به‌ویژه بر موضوع حفظ وحدت، جلب توجه می‌کند. این امر بسیار درخور توجه است و می‌تواند نشان از عزم راسخ برای تغییر بنیادین در برخی مواضع سخت پیشین باشد. اما نکته برجسته در این زمینه، در روش دستیابی به وحدت مد نظر است. در چند روز اخیر به صورت مستمر بر این امر تاکید شده است که سـکوت بهترین روش برای حفظ وحدت اسـت؛ سـکوتی که قاعدتا مخاطبش، بیشـتر طیف‌های وابسته به حاکمیت است، چراکه رسـانه و ابزارهای قدرت و ثروت بسـیار بیشتری در اختیار دارند. اما به نظر می‌رسد سکوت هرچند در برخی مواضع و مواقع تأثیرگذار اسـت اما آنچه در این مقطع حساس می‌تواند تعیین‌کننده باشد، نه سکوت، بلکه ایجاد فرصت برابر است. فرصت برابر در استفاده از سکوها، موقعیت‌ها و ابزارهایی که تا پیش از این صرفا در اختیار بخشی از سیستم و نیروهای مورد اعتمادش بوده است و صرفا در برخی بزنگاه‌ها به دیگران فرصت عرض اندام داده می‌شد. این در حالی است که حضور طیف‌های مختلف و ابراز عقیده و مصونیت از تعقیب پس از آن، می‌تواند اعتماد عمومی را بار دیگر افزایش دهد و وحدت اجتماعی شکل‌گرفته حول ایران را قوام و دوام دهد. بی‌شک، شکستن قفل انحصار امثال صداوسیما یا دیگر عرصه‌های انحصاری و شبه‌انحصاری عمومی، به بازیابی اعتبار این نهادها هم کمک خواهد کرد. فقط در این صورت اسـت که می‌توان جامعه داخلی را همراه و دشمن خارجی را تفهیم کرد. برقراری چنین تعادلی جز از طریق تغییر در مواضع سخت ممکن نیست. در مجموع اتکای صرف به سکوت در باب اختلافات و افتراقات مابین نیروهای فعال سیاسـی و اجتماعی به عنوان راهبردی بـرای حفظ وحدت ملی، نه‌تنها پایدار نیست، بلکه می‌تواند شکاف‌های پنهان را تعمیق کند و در موعدی دیگر سر باز کند و دردناک‌تر خود را بروز دهد. وحدت پایدار، بر پایه مشارکت، شفافیت و اعتماد عمومی بنا می‌شود؛ مؤلفه‌هایی که با توزیع عادلانه فرصت‌ها، تریبون‌ها و تضمین آزادی بیان به دست می‌آید، نه با توصیه به خاموشی صداها. هرچند این خاموشی در کوتاه‌مدت ممکن است تأثیرگذار باشد. اگر قرار است وحدت و وفاق از یک شعار مقطعی به یک واقعیت ملی و دائمی تبدیل شود، باید به‌جای توصیه به خاموشی و سکوت، به ابراز تفاوت‌ها در عین هم‌صدایی تن داد. جامعه‌ای که در آن منتقدان بتوانند در چارچوب قانون، آزادانه سـخن بگویند و نهراسند، بسیار مقاوم‌تر و همدل‌تر در برابر تهدیدهای بیرونی خواهد بود. تهدید خارجی نیز بی‌گمان در محاسباتش، این متغیر پررنگ را لحاظ خواهد کرد. بنابراین وحدت ملی، نه از مسیر سکوت و پاک‌کردن صورت‌مسئله، بلکه از مسیر تضمین فرصت برابر برای ارائه دیدگاه‌های متفاوت می‌گذرد.

اقدامات تروریستی در زاهدان و غرب کشور و تحولات منطقه

ادامه از صفحه اول

در ماه‌های گذشـته لحن مقامات دو طرف اسـرائیلی و ترکیه‌ای در برابر یکدیگر به تندی گرایش پیدا کرده و هر آن ممکن است با دخالت اسرائیل موضوع گروه‌هـای مذهبی، زبانی و قومی در سـوریه یعنـی دروزی‌ها، علوی‌هـا و کردهای سـوریه به یکی از چالش‌های جدی میان اسـرائیل و ترکیه مبدل شـود. اسـرائیل در اتخاذ مواضع خصمانه چندان درگیر و بند مقررات بین‌المللی یا ملاحظات انسانی نیست. دراین‌باره مواضع دولت آمریکا نیز بسیار بااهمیت اسـت و می‌تواند روند تحـولات منطقه را وارد جهت‌گیری متفاوتـی کند. در صورت درگیرشدن اسرائیل با مسـئله پ.ی.د و قسد، این موضوع می‌تواند به اقلیم کردستان عراق نیز کشـیده شـود و به‌این‌ترتیب دولت عراق نیز با شرایط جدیدی مواجه شود و ترتیبات امنیتی منطقه با بی‌نظمی گسترده‌ای روبه‌رو شود. گروهی از تحلیلگران موضع منفی پ‌ک‌ک و رهبری آن یعنی عبدالله اوجالان علیه اسـرائیل را عاملی حسـاس در تغییر مناسبات میان پ‌ک‌ک و شعب آن با اسرائیل ارزیابی می‌کنند، اما نگاهی به سوابق سازمان پ‌ک‌ک و نیز چرخش ایدئولوژیک این سازمان مؤید این نکته است که این سازمان یا شـعبه‌های ایرانی و سـوری آن ممکن است در نوع نگاه خود به اسرائیل به صورت راهبردی یا تاکتیکی تجدیدنظر کنند. در این شرایط نه‌تنها منافع دولت‌های سوریه و ترکیه تحت تأثیر این رویداد با چالش بزرگی دسـت به گریبان خواهد شد، بلکه منافع دیگر کشورهای منطقه از جمله عراق و ایران نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. اگر اقدامات تروریستی اخیر در زاهدان و غرب کشور به صورت تصادفی هم‌زمان نشده باشد و برخی برنامه‌سازی‌های رسانه‌ای نیز هدفمند این موضوعات را برجسته کرده باشند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که استفاده از ابزارهای قومی و مذهبی و زبانی و طایفه‌ای و مانند آن در رقابت‌های منطقه‌ای در حال دگردیسـی است و می‌تواند به اقدامات پرریسکی نیز منجر شـود. وظیفه دستگاه دیپلماسی کشـور در پرتو چنین افقی و تحولاتی باید تابعی از منافع ملی و استفاده از ظرفیت‌های گوناگون کشور باشد. گسترش رایزنی‌ها با دولت‌های منطقه از جمله عراق و ترکیه و تجدیدنظر در مناسبات ایران با دولت جدید سوریه می‌تواند گام نخست برای طراحی سیاستی متناسب با منافع ملی کشور در شرایط بسیار حساس پیش‌رو باشد. پیش‌ازاین هم تجدیدنظر درباره حاکمان جدید سوریه باید مورد توجه باشد، اما شرایط اخیر منطقه ضرورت برقراری رابطه با دولت موقت سوریه را دوچندان کرده اسـت. این در حالی است که تحولات قفقاز جنوبی هم وارد مرحله جدیدی شده است و هر نوع اقدام ترکیه یا دولت جمهوری آذربایجان دراین‌باره می‌تواند دیگر متغیرهای مؤثر بر مناسـبات منطقه‌ای را تحت تأثیر خـود قرار دهد و هم‌زمان منطقه را با چند بحران بزرگ از جمله تشدید تنش‌های منطقه‌ای، بن‌بست خلع سلاح پ‌ک‌ک و هرج‌ومرج و آشوب در بخش بزرگی از جنوب غربی آسیا و جنوب قفقاز مواجه کند. گسترش دیپلماسی منطقه‌ای در کنار به نتیجه رساندن گفت‌وگو با طرف آمریکایی برای حل‌وفصل مسـائل هسته‌ای و دیگر مسائل فی‌مابین مهم‌ترین روش در دسترس برای مواجهه با شرایط پیچیده منطقه‌ای است.

از جنگ ۱۲ روزه تا جنگ اوکراین

رمزگشایی از سیاست خارجی ترامپ

علیرضا رئیسی
عضو هیئت علمی کالج امرسان

پیروزی ترامپ در دوره دوم ریاست‌جمهوری و برنامه‌های غیرمتعارف او در حوزه سیاست خارجی منشأ سـردرگمی و تصمیم‌گیری‌های آشفته در آمریکا و سـطح جهان شده اسـت. تجاوز نامشروع اسرائیل به ایران و همراهی آمریکا با آن، فرایند تصمیم‌سـازی سیاسـت خارجی آمریکا در این موضوع را با پیچیدگی‌های بیشـتری مواجه کرده است. اگرچه اتحاد و همبسـتگی مردم و جان‌فشانی نیروهای مسلح توطئه‌های دشمن را در این مرحله ناکام گذاشته، اما راهکارهای دیپلماتیک برای ترجمه مقاومت به موفقیت ضروری می‌نماید. هدف از این یادداشـت معرفی چارچوبی برای تحلیل فرایند تصمیم‌گیری در سیاسـت خارجی ترامپ اسـت تا بتوان فهم دقیق‌تری از پیچیدگی‌های این مورد داشـت. تجزیه و تحلیل منابع مؤثر در شکل‌گیری سیاست خارجی در سـه سطح افراد، دولت/جامعه و در سـطح بین‌الملل می‌تواند تا حدودی پیچیدگی‌های این فرایند را تشـریح کند و فهم دقیق‌تری از سیاست خارجی ترامپ و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با دیگر رئیس‌جمهوران آمریکا فراهم کند. در این یادداشت منابع مهم در تصمیم‌گیری ترامپ در هریک از این سـطوح به طور مختصر توضیح داده می‌شـود و در انتها پس از جمع‌بندی، راهبردهایی برای فهم و مواجهه بهتر با دولت ترامپ ارائه می‌شود.

تأثیر منابع سیاسـت خارجی آمریکا در سطح دولت/جامعه بر جنگ ایران

می‌توان گفت پیچیده‌ترین منابع سیاسـت خارجـی در دولـت ترامـپ در این سـطح وجـود دارد. پیـروزی ترامـپ در انتخابـات ریاسـت‌جمهوری ۲۰۲۴، حاصل شکل‌گیری ائتلافـی از نیروهـای محافظـه‌کار سـنتی، نیروهـای پوپولیسـت ملی‌گرا و مسـیحیان بنیادگرا بود. هرکدام از این گروه‌ها توانسـتند بـا تمرکز بر شـعارهای مخصـوص به خود بخش‌هایی از سـبد رأی سنتی دموکرات‌ها را با خود همراه کنند. اگرچه یکی از محورهای برنامه‌هـای انتخاباتـی ترامپ در سیاسـت خارجـی پرهیـز از جنگ‌طلبـی و کاهـش تعهدات نظامی در خارج از آمریکا بوده، اما در عمل لزوما این شـعارها محقق نمی‌شـود و نخواهد شـد. این مورد یکی از مواردی است که باعث سردرگمی تصمیم‌گیران در بسیاری از کشورهای جهان شـده است. درواقع مثال‌های فراوانی وجود دارد که رؤسای جمهور آمریکا با شـعارهای پیشرو و ضدجنگ به کاخ سفید راه یافته‌اند و در عمل سیاست‌های جنگ‌طلبانه یـا محافظه‌کارانـه‌ای در پیـش گرفته‌اند. بـه عنوان مثال جورج بوش پسـر کـه به عنوان جنگ‌طلب‌ترین رئیس‌جمهور آمریکا در سال‌های اخیر شناخته می‌شود، در مبارزات انتخاباتی خـود در دور اول ریاسـت‌جمهوری‌اش، مداخـلات نظامی دولت کلینتون و دولت‌سـازی از سـوی دولت او را مورد انتقاد شـدید قرار داده بـود -حتی برخی از افراد تیـم او در ابتدای ریاسـت‌جمهوری‌اش شـعارهای انزواطلبانه می‌دادند- در عمل تبدیل به مداخله‌گراترین و جنگ‌طلب‌ترین رئیس‌جمهور آمریکا در سـال‌های پس از جنگ سـرد شد. دموکرات‌ها هم با وجود شعارهای پیشـرو، عملا سیاسـت‌های محافظه‌کارانه‌ای را دنبال کرده‌اند. اوباما که با تأکید بر حفظ حقوق اساسـی شـهروندان آمریکا و فرایند دادرسی عادلانه مظنونان عملیات تروریستی، به کاخ سفید راه یافته بود، با وجود تخصصش در حقوق، سیاست‌های جورج بوش پسر را در این حوزه ادامه داد. ریشه این تداوم در سیاست خارجی آمریکا به عواملی برمی‌گردد که متخصصان حقوق اساسـی و علوم سیاسی آن را «نیروهایی پرتوان‌تر از ریاست‌جمهوری» می‌نامند. در این تحلیل نهادهایی مانند بوروکراسـی‌ها و گروه‌های ذی‌نفع و فضای بین‌الملل تأثیری شـگرف بر ریاسـت‌جمهوری و حتی افکار عمومی در آمریکا دارند. ترامپ هم از این قاعده مسـتثنا نیست. درواقع عدم تجربه و خصوصیات شخصی ترامپ این موضوع را تشدید می‌کند. مثال‌های متعددی از سیاست خارجی در دور نخست ریاست‌جمهوری او وجود دارد که ترامپ برخلاف شـعارهایش و حتی برخلاف آنچه در نظر داشـت، در راستای درگیری و تشـدید بحران‌ها عمل کرد. درباره تجاوز نظامی ترامپ به ایران، گرایش‌های ضدجنگ هواداران ملی‌گرای ترامپ نظیر اسـتیو بنن و تاکر کارلسون توانایی غلبه بر این «نیروهای پرتوان‌تر از ریاست‌جمهوری» را ندارند، چراکه فاقد مؤلفه‌های تأثیرگذاری نظیر سازمان‌دهی و تشکیلات در سیاسـت آمریکا هسـتند. درنتیجه هرگونه تحلیلی دربـاره نقش این گروه‌هـای ضدجنگ هوادار ترامپ باید مطابق بـا موازنه قوای واقعی در سیاست داخلی آمریکا باشد تا درباره توانایی‌های این گروه اغراق نشود.

یکی از این «نیروهای پرتوان‌تر از رئیس‌جمهور» به‌ویژه درباره خاورمیانه و ایران، لابی اسرائیل است که سابقه طولانی در شکل‌دادن به سیاست خارجی آمریکا دارد. این لابی با علم به نامحبوب‌بودن سیاست‌های مداخله‌جویانه و جنگ‌طلبانه در یک فرایند تدریجی طولانی، گزینه نظامی را از طریق نخبگان سیاسـی همسـو نظیر نئومحافظه‌کاران و اندیشـکده‌های همسو و تهدید و تطمیع سیاست‌مداران غیرهمسو غالب می‌کند. اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ را می‌توان به عنوان یک نمونه از نقش این لابی در نظر گرفت. لابی اسرائیل با همراهی نیروهای سیاسـی همسو توانسـت گزینه اشغال عراق را در یک فرایند ۱۰ساله پایه‌ریزی کند. این فرایند از مجموعه‌ای از تحریم‌ها و مصوبات کنگره نظیر «قانون آزادی عراق در سال ۹۸» (که در ابتدا کلینتون تمایلی به اجرای آن نداشـت، ولی نهایتا آن را اجرا کرد) شـروع شد و نهایتا به اشغال عراق انجامید و وقتی که اشـغال عراق نامحبوب شـد، لابی اسـرائیل حتی تـلاش کرد خود را به عنوان مخالـف آن معرفی کند. با وجود حضور تعداد معدودی نماینده مخالف لابی در کنگره، این لابی همچنان بر کنگره اشـراف دارد و حتی توانسته است در مواردی که توانایی تأثیرگذاری بر رئیس‌جمهور را نـدارد، از طریق کنگره سیاسـت‌های نامطلوب خود را بـا حمایت هر دو حزب بر رئیس‌جمهور تحمیل کند. دراین‌بین هرگونه تلاش برای مخالفت با لابی به عنوان یهودسـتیزی از طریق نظریه توطئه معرفی شده و نمایندگان مخالف حذف خواهند شـد که در انتخابات ۲۰۲۴ کنگره دو نمونه آن مورد توجه رسـانه‌ها قرار گرفت. در نتیجه مخالفت‌های پـاره‌ای از نمایندگان با سیاسـت‌های جنگ‌طلبانه و تجـاوز به ایران تأثیر چندانـی در نتیجه نهایی سیاسـت آمریکا در قبال ایران نخواهد داشـت و درباره نقش این گروه‌ها نیز نباید اغراق شود. به طریق اولی درباره تأثیر تحلیلگران مستقل نظیر مرشایمر بر سیاسـت خارجی آمریکا نباید اغراق شـود. به‌همین‌ترتیب تظاهرات‌های ضدجنـگ هنوز به مقیاس تأثیرگذار نرسـیده و البته باید در نظر داشـت که تأثیر جنبش‌های ضدجنگ عموما با تأخیر چندین‌سـاله در فرایند انتخابات و تصمیم‌گیری رخ می‌دهد. در نتیجه این جنبش‌ها نمی‌توانند تأثیر کوتاه‌مدتی در توقـف سیاسـت‌های جنگ‌طلبانه آمریکا در قبال ایران داشـته باشـد و تأثیر بلندمدت آن بسـتگی به عوامل متعددی مانند هزینه جنگ و عملکرد رسانه‌ها در این زمینه خواهد داشت.

منابع سیاست خارجی آمریکا در سطح بین‌الملل و جنگ با ایران

منابع سیاست خارجی در سـطح بین‌الملل بیشترین ابهام را در تحلیل سیاسـت خارجی ترامپ ایجـاد کرده‌اند. حتی برخـی از تحلیلگران طراز اول آمریکایـی نیز در این زمینه دچار سـردرگمی شـده‌اند. به عنوان مثال برخی از این تحلیلگران به صورت شـتاب‌زده‌ای پیروزی ترامپ را نشانه‌ای از پایان نظم جهانی لیبرال دانسـتند که در آن شـهروندان آمریکا از عناصر نظم لیبرال نظیر تجـارت آزاد و هزینه‌دادن بـرای امنیت متحدان آمریکا ناراضی هسـتند، در نتیجـه ترامپ را با برنامه‌ای بـرای برچیدن این نظم لیبرال برگزیده‌اند. اگرچه نظم لیبرال با چالش‌های جدی مواجه است، اما نظرسنجی‌ها نشـان می‌دهد سیاست‌های ترامپ درباره مصادیق این نظم لیبرال (مانند جنگ تعرفه‌ها و کاهش کمک به اوکراین) از زمره منفورترین سیاسـت‌های ترامپ در دوره دوم ریاسـت‌جمهوری او بوده‌اند، در نتیجه به‌سـادگی نمی‌توان افول نظم جهانی را نتیجه‌گیری کرد. به طور مشـابه برخی تحلیلگران از ظهور چین به عنوان ابرقدرت، به صورت خودکار افول آمریـکا را نتیجه‌گیری کرده‌اند. اگرچه ظهور چین به عنوان ابرقدرت را می‌توان پایانی بر جهان تک‌قطبی قلمداد کرد، اما ایجاد نظم جهانی از طرف چین با چالش‌هایی جدی مواجه است. اگر شی جین‌پینگ به صورت جدی به دنبال ایجاد نظم بدیل جهانی است، ایجاد این نظم سال‌های زیادی طول می‌کشد. به عنوان نمونه ابتکار سه‌گانه چین در راستای ایجاد نهادهای نظم نوین مد نظر چین در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی و فرهنگی در سـال ۲۰۲۱ با اسـتقبال چندانی در سـطح بین‌الملل مواجه نشـده اسـت و تلاش‌های چین برای ایجاد آلترناتیوی برای سوئیفت عملا شکسـت خورد. در نتیجه نباید درباره نقش چین در ایجاد نظم بدیل جهانی اغراق کرد. در همین راستا نمی‌توان امیدوار به مساعدت چین به ایران در منازعات خاورمیانه بود. درواقع تحلیلگران وابسـته به اسرائیل تلاش می‌کنند منازعه ایران و اسـرائیل را ذیل رقابت چین با آمریکا تعریف کنند تا توجیه ژئوپلیتیکی برای تداوم حضور آمریـکا در منطقه جعل کنند و متأسـفانه پاره‌ای از محافل ایرانی هم فریب این برسـاخته کاذب اندیشکده‌های وابسته به اسـرائیل را می‌خورند. غافـل از اینکه پس از جنگ سرد اسرائیل اهمیت ژئوپلیتیکی خود را برای آمریکا از دست داده است. اما اسرائیل با لطایف‌الحیل سـعی در توجیه حضور نظامی آمریـکا در منطقه دارد، تا بـه هدف خود در راستای تسـلط نظامی بر کشـورهای منطقه نائل شـود. در همین راستا اسـرائیل توانست اسـتراتژی موازنه‌سـازی فراسـاحلی آمریکا در خاورمیانـه (که نیازی به حضور مداوم و پرتعداد نیروهـای نظامی در منطقه ندارد) را به استراتژی پرهزینه «مهار دوجانبه» (که شـامل حضور دائمی و پرتعداد نیروهای آمریکایی در منطقه اسـت) تبدیل کند. امـروزه هم با وجود اذعان دولتمـردان آمریکایی (از هر دو حزب) بـر نامعقول‌بودن حضور و هزینه نظامی در منطقه خاورمیانه، اسـرائیل در تلاش اسـت تا با قاب‌بندی‌های کاذب از سیاسـت‌های چین در منطقه، توجیهی ژئوپلیتیکی برای ادامه حضور نظامی آمریکا جعل کند. درواقع حضور چین در منطقه خاورمیانه عمدتا براسـاس انگیزه‌های تجاری و اقتصادی شـکل گرفته که منازعات منطقه باعث تضعیف آن خواهد شـد. در نتیجه نمی‌توان درباره کمک چین به ایران در این منازعه امیدوار بود.

تأثیر منابع سیاست خارجی در سطح افراد

تحلیل نقش افراد در دولت ترامپ سوژه جذابی برای روزنامه‌نگاران و حتی روان‌شناسان بوده اسـت. اگرچه نیروهایی پرتوان‌تر از رئیس‌جمهور و افراد در شـکل‌دادن به سیاسـت خارجی آمریکا فعال هستند، اما افراد و خصوصیـات فردی و قدرت تحلیل ایشـان همچنان می‌تواند در شـکل‌گیری تصمیمـات افراد مهم باشـد. دربـاره ترامپ عمده تحلیلگران به خودشیفتگی و تصمیم‌گیری لحظه‌ای و جهان‌بینی و تجربـه کاری مبتنی بر دلالی او اشـاره می‌کننـد، اما نمی‌توان از نقش «میان‌برهای شـناختی» در شـکل‌دادن به تصمیمات او غفلت کرد.

برای خواندن گزارش کامل اسکن کنید

گزارش

وقفه در عملیات اسرائیل برای امدادرسانی به غزه

ارتش اسـرائیل روز گذشته اعلام کرد به دلیل نگرانی‌ها از بحران شدید گرسـنگی در غزه و مـوج انتقادهای جهانی نسبت به عملکردش در جنگ ۲۱ماهه، به طور روزانه در سه منطقه پرجمعیت غزه -غزه‌سـیتی، دیرالبلح و مواسـی- برای ۱۰ سـاعت عملیات را متوقـف می‌کنـد. ایـن وقفه‌ها هر روز از سـاعت ۱۰ صبح تا هشت شب اجرا می‌شـود و هـدف از آن، افزایش ارسـال کمک‌های بشردوستانه، ایجاد مسـیرهای امن و تسـهیل ورود مواد غذایـی و دارویی به این مناطق عنوان شده اسـت. با وجود اجرای این اقدام، وضعیـت انسـانی در غـزه همچنان بحرانـی و نگران‌کننـده باقـی مانده اسـت. سـاعاتی پس از آغـاز وقفه، مقامات بهداشتی غزه از حمله هوایی اسـرائیل به یک واحد مسـکونی خبر دادند که منجـر به جان‌باختن یک زن و چهار فرزندش شـد. ارتش اسرائیل واکنشی به این خبر نداد.

کارشناسـان بین‌المللی و نهادهای حقوق‌بشـری و امدادرسان ماه‌هاست درباره خطـر قحطی در غزه هشـدار می‌دهند. اسرائیل ورود کمک‌ها را به بهانـه جلوگیری از دسـتیابی حماس به منابـع محـدود کرده امـا تاکنون مدرکـی برای ایـن ادعا ارائـه نکرده اسـت. انتشـار تصاویـر تکان‌دهنده کودکان نحیـف در غزه، موج انتقادها را افزایش داده و حتی متحدان نزدیک اسرائیل را وادار به واکنش کرده است. مسئولان بهداشت غزه اعلام کردند از اواخر شنبه تا یکشـنبه، دست‌کم ۳۸ فلسـطینی در حملات مختلف شهید شدند که ۲۳ نفر از آنان هنگام دریافت کمک‌های بشردوستانه جان باختند.

ارتـش اسـرائیل همچنیـن اعلام کرد عـلاوه بر تعیین مسـیرهای امن، بخشـی از کمک‌ها شـامل آرد، شکر و کنسـرو را از طریـق هوایـی به غزه ارسال کرده است. سازمان جهانی غذا ضمن اسـتقبال از این اقدام، تأکید کرد فقط یـک آتش‌بس فراگیـر می‌تواند تضمین‌کننده رسیدن گسترده کمک‌ها به همه نیازمندان باشـد. یونیسف نیز ایـن وقفه‌ها را «فرصتـی برای نجات جان‌ها» دانسـته و مقامات بهداشت غزه خواسـتار ارسـال فـوری دارو و تجهیزات پزشکی شده‌اند.

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده
بدینوسیله از کلیه شرکای شرکت **کاوشگران خاک و بتن سامان** با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۳۸۰۱۵۸ دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت که در ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۴/۵/۱۷ در محل قانونی شرکت تشکیل میگردد حضور به هم رسانند.
دستور جلسه مجمع فوق العاده :
۱-بررسی و تصویب انحلال شرکت مطابق اساسنامه
۲- تعیین مدیر تصفیه

برگ سبز و وکالت‌نامه پژو پارس سفید روغنی مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ۱۱س۲۴۴ ایران۴۱
شماره شاسی: NAANA1HLFPYB59984
و شماره موتور: 125K0272200
به نام **محمد قبادیان** با وکالت محسن بساطی با کدملی ۴۱۹۰۴۳۶۸۴۴ درتاریخ ۱۴۰۴/۵/۱ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

مدرک تحصیلی اینجانب شادی سرنج فرزند محمود به شماره ۳۸۷۳۵۱۱۹۴۰ صادره از همدان در مقطع کارشناسی رشته مهندسی منابع طبیعی-محیط زیست صادره از واحد دانشگاهی همدان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان به نشانی همدان، بلوار توحید شمالی، دانشگاه آزاد اسلامی (محله ی دانشگاه آزاد اسلامی) ارسال نماید.

آگهی مزایده
یک دستگاه آپارتمان ۲۰۰ متری در میرداماد تهران
بالکن۹ متر دو واحد پارکینگ هر یک ۱۱ مترمربع انباری به مساحت ۸/۵ مترلابی ولابی من (نگهبان)
واقع در طبقه ششم جنوبی یک مجتمع مسکونی شش طبقه ۲۲ واحدی که طبقه ششم دو واحدی است. نما سنگ، آسانسور، سه خواب (یکی مستر) کف سالن و اتاقها از سنگ، پوشش دیوار از کاغذ دیواری، آشپزخانه اپن با کابینت‌های ام دی اف سرمایش کولر آبی و گرمایش پکیج و رادیاتور دارای استخر روباز
قیمت ۲۶ میلیارد تومان
تاریخ مزایده ۱۴ مرداد ۱۴۰۴ ساعت ۸ صبح الی ۱۲ از طریق
www.setadiran.ir

آگهی دعوت به مجمع صندوق سرمایه‌گذاری مشترک بورسیران
از کلیه دارندگان واحدهای ممتاز، وکیل یا قائم‌مقام قانونی آن‌ها دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع این صندوق که در ساعت ۱۰:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۹ در محل تهران، خیابان ولیعصر، پایین‌تر از پارک ساعی، پلاک ۲۲۴۴ (برج نگین ساعی)، طبقه ۳، واحد ۳۰۸ برگزار می‌گردد، حضور به هم رسانند. دستور جلسه مجمع به شرح ذیل می‌باشد. تصمیم‌گیری در خصوص تغییر در مفاد بند (۹-۳) امیدنامه صندوق در خصوص هزینه‌های قابل پرداخت از محل دارایی‌های صندوق
دعوت‌کننده: مدیر صندوق سرمایه‌گذاری مشترک بورسیران (شرکت سبدگردان سورین)

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک غرب اصفهان
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر آرا صادره هیاتهای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نماید.
ردیف ۱- برابر رأی شماره ۴۸۴۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۷ هیأت دوم مالکیت خانم فاطمه فردوان خراسانی به شناسنامه شماره ۱۴۸ کدملی ۱۲۹۰۳۳۲۲۹۰ اصفهان فرزند جواد نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۰۰/۵۹ متر مربع پلاک شماره ۶۰/۲ فرعی از ۲۷ اصلی که در اجرای استاندارد سازی به پلاک ۲۷/۱۶۶۷ تبدیل گردید واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت احمد مظفری نیا فرزند حسن ثبت در دفتر املاک و نامه ۱۳۵۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۵ اداره راه شهر سازی تأئید و محرز گردیده است.
ردیف ۲- برابر رأی شماره ۴۸۴۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۷ هیأت دوم مالکیت آقای مجید مرادی علی عربی به شناسنامه شماره ۵۱۳۴۳ کدملی ۱۲۸۰۹۳۹۷۱۰ صادره اصفهان فرزند محمود نسبت به چهاردانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۰۰/۵۹ متر مربع پلاک شماره ۶۰/۲ فرعی از ۲۷ اصلی که در اجرای استاندارد سازی به پلاک ۲۷/۱۶۶۷ تبدیل گردید واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت احمد مظفری نیا فرزند حسن ثبت در دفتر املاک و نامه ۱۳۵۵ مورخ ۱۴۰۴/۳/۰۵ اداره راه شهر سازی تأئید و محرز گردیده است.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶
شناسه آگهی: ۱۹۶۲۲۶۸
شهریاری
رئیسی منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان ۲۴۲۴